

تحلیلی بر جایگاه زن و خانواده در برنامه های توسعه ای در اسناد فرادستی نظام

زهرا سمواتی^۱، جعفر سطوتی^۲، محمد زرنگ^۳

چکیده

هرچند موضوع زن و خانواده قبل از پیروزی انقلاب اسلامی هم مورد توجه خاص رهبران انقلاب بود، لکن با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران و تغییر و تحولات جهانی که به موازات رشد این نظام صورت گرفته است این موضوع کماکان موضوعی چالشی محسوب می شود. لذا سیاستگذاران و برنامه ریزان نیز همواره با حساسیت و توجه خاص در قبال این موضوع برخورد نموده اند و با توجه به تبعاتی که جهانی شدن بر عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته است ضرورت بازاندیشی در سیاست ها و برنامه ها و متناسب سازی آن با نیازهای جامعه امروز ایرانی امری طبیعی به نظر می رسد. این مقاله یک تحقیق از نوع کاربردی است که از روش اسنادی در گردآوری اطلاعات استفاده نموده است. هدف آن نیز ارائه تحلیلی منصفانه از وضعیت و جایگاه زن در قانون اساسی و دیگر اسناد فرادستی نظام است. برای نیل به چنین هدفی برخی از سؤالات مطرح شده که اهم آنها به شرح ذیل است: ۱- آیا رویکرد حاکم بر قوانین، سیاست ها و برنامه های کشور در حوزه زن و خانواده یکسان است؟ این رویکرد چیست؟ ۲- آیا سیاست ها، قوانین و برنامه ها در حوزه زن و خانواده توانسته است اعتدال لازم در ایفای نقش خانوادگی و نقش اجتماعی زن را ایجاد کند؟ ۳- آیا گذشته از سیاست ها، قوانین و برنامه ها عوامل اثرگذار دیگری همچون جهانی شدن و تغییر در سبک زندگی توانسته است بر اعتدال در ایفای نقش زن در جامعه امروزی اثر بگذارد؟ به منظور سازماندهی مناسب بحث، ساختار تحقیق در قالب پنج بخش طراحی شده است و نهایتاً در نتیجه گیری پاسخ سؤالات مرور شده و ضمن بیان کاستی های این حوزه پیشنهادهایی برای تقویت جایگاه زن و خانواده در ایران امروزی ارائه می شود.

واژگان کلیدی: زن، خانواده، قانون، برنامه و اسناد فرادستی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۰۸

^۱. پژوهشگر و مدرس دانشگاه، عضو هیات علمی پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی (نویسنده مسئول) (Email: Salehat2007@gmail.com)

^۲. عضو هیات علمی پژوهشکده چشم انداز و آینده پژوهی (Email: jaafar_satvati@yahoo.com)

^۳. عضو هیات علمی دانشگاه امام علی (ع) (Email: azerangam@yahoo.com)

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷ وضعیت و جایگاه زن در جامعه ایرانی تغییر کرد. این تغییر از لایه‌های پایین اجتماعی شروع شد و به شکلی مستمر ادامه یافت به طوری که امروزه می‌توان مدعی شد که زنان در مقایسه با قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جایگاهی متفاوت را در تمامی لایه‌های اجتماعی و سطوح مختلف سیاست و حکومت به دست آورده‌اند. به موازات این تغییر باید اذعان نمود که وضعیت خانواده نیز دستخوش تغییرات شده است. این تغییرات بعضاً تحت تأثیر سیاستگذاری، قانونگذاری، و برنامه‌ریزی‌هایی بوده است که به دنبال ارتقای نقش و حضور زن در عرصه‌های علمی، شغلی و اجتماعی بوده‌اند و بعضاً به علت مسائلی فراتر از اختیارات و حیطه نفوذ سیاستگذاران، قانونگذاران و برنامه‌ریزان بوده است. پدیده‌هایی از جمله جهانی شدن و تغییر در سبک زندگی که خارج از اراده مدیران نظام بوده است نیز به سهم خود موجب تغییر در نقش و جایگاه خانواده شده‌اند. شاید روزی که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان به دنبال تدوین سیاست‌ها و یا برنامه‌هایی بودند که بتوانند از این طریق به افزایش نقش و مشارکت زنان در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کمک نمایند پیش‌بینی نمی‌کردند که مسبب کاهش نقش زنان در خانواده می‌شوند. امروزه نه تنها در کشورمان، بلکه در اکثر کشورهای جهان تغییرات کلان و بالابخش تغییرات در سبک زندگی موجب شده است که میزان خانواده‌های تک فرزند فزونی یافته و به علت ضعف حضور والدین در منزل شاهد پدیده جدیدی به نام بچه کلیددار^۱ باشیم؛ یعنی کودکی که همزمان با حضور پدر و مادر در محل کارشان زمانی که از مدرسه به خانه برمی‌گردد خود باید درب منزل را باز کرده و غذایش را آماده و از خود مراقبت و نگهداری کند تا والدین شب هنگام از محل کار به خانه بازگردند. به عبارت دیگر، می‌توان چنین تحلیل کرد که نقش والدین و به عبارت دیگر نقش خانواده نیز تغییر یافته و در واقع از خانواده مرئی که در گذشته شاهد آن بوده‌ایم به یک خانواده تدارک‌اتچی تغییر کارکرد یافته است. برخی از والدین امروزی به دنبال کسب درآمد و تأمین معیشت خانواده و فرزندان هستند و نقش تربیتی خود را به نهادهایی همچون مهد کودک، مدرسه، و دانشگاه و مؤسسات و کلوپ‌ها سپرده‌اند و خود تبدیل به مأموران تدارکات شده‌اند که وظیفه خود را حمایت مالی و تغذیه‌ای از فرزندان و تأمین هزینه‌های ثبت نام فرزندان در نهادهای آموزشی و تفریحی و ورزشی می‌دانند. خلاء حضور مادر در این خانواده‌ها موجب بروز آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری شده است که امروزه ذهن روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و بالابخش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جوامع را سخت مشغول ساخته است.

در چنین شرایطی چاره‌ای وجود ندارد که نهادهای تربیتی همچون مهد کودک و مدرسه بر نقش تربیتی خود علاوه بر نقش آموزشی افزوده و خلاء نقش تربیتی خانواده و بالابخش مادر را پر کنند. اما آیا این نهادها می‌توانند جای خالی مادر را در امر تربیت فرزند پر کنند؟ این سؤال است که در پاسخ آن بخش قابل توجهی از اندیشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند که نقش تربیتی خانواده رو به افول گذاشته و صدمات روحی و روانی و اجتماعی که به این علت وارد می‌شود قابل جبران نیست. اما در این میان نقش و مسئولیت نهادهای قانونگذار، سیاستگذار، و برنامه‌ریز چه می‌تواند باشد؟ آیا می‌توان از طریق اتخاذ سیاست‌ها و اصلاح یا وضع قوانین جایگاه مناسب زن و خانواده را بازسازی و تقویت کرد؟ اساساً جایگاه مناسب برای زن و خانواده در نظام جمهوری اسلامی ایران چگونه تعریف شده است؟ این جایگاه در اسناد فرادستی چگونه انعکاس یافته است؟

لذا این تحقیق را با این هدف طراحی کرده‌ایم که بتوانیم وضعیت و جایگاه زن و خانواده را در قانون اساسی و اسناد فرادستی کشور مورد بررسی و تحلیل قرار داده و به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که آیا قانونگذاری و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نظام در حوزه زن و خانواده دچار اشتباهات و خلاءهایی بوده است و یا اینکه عوامل اثرگذار دیگری همچون ضعف در تدوین و اجرای برنامه‌های عملیاتی و یا عوامل خارج از اختیارات نظام همچون جهانی شدن و تغییر در سبک زندگی موجب کم‌رنگ شدن نقش خانوادگی زن شده است؟

^۱Key Child

با توجه به هدف تحقیق می توان این فرضیه را به عنوان فرضیه اصلی تحقیق مطرح کرد که توجه و اهتمام به موضوع زن و خانواده در قانون اساسی و تمامی اسناد فرادستی نظام تحت تأثیر یک رویکرد یکسان به نقش و جایگاه زن در خانواده و جامعه بوده است. به منظور نیل به هدف تحقیق و نیز تأیید یا رد فرضیه اصلی گذشته از پاسخ به سؤالات فوق الذکر، برخی از سؤالات دیگر در این حوزه طراحی و پاسخ داده خواهد شد. از جمله این سؤالات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- اساساً در شناخت و تبیین مسئله زن و خانواده و برخورد با این موضوع چه رویکردهایی اتخاذ شده است؟
- ۲- آیا می توان برای تبیین بهتر مباحث این تحقیق و نیل به هدف آن یک چارچوب نظری خاص ارائه کرد؟
- ۳- کدام رویکر از میان رویکردهای دسته بندی شده در این تحقیق بیشتر با اصول و اندیشه های اسلامی انطباق و همگرایی دارد؟
- ۴- کدام رویکرد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انعکاس یافته است؟
- ۵- رویکرد نظری حاکم بر سایر اسناد فرادستی همچون سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ ه.ش.؛ سیاست های کلی نظام؛ سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه؛ و قوانین برنامه های پنج ساله توسعه چه بوده است؟
- ۶- به طور کل، جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی و اسناد فرادستی نظام چگونه تحلیل می شود؟
- ۷- آیا جایگاه این موضوع در این اسناد دارای همگرایی است یا اینکه هر کدام از اسناد رویکرد و جهت گیری متفاوتی را اتخاذ نموده اند؟

۸- به نظر این تحقیق بهترین رویکرد و چارچوب نظری که بتوان به سیاستگذاران و برنامه ریزان توصیه نمود کدام است؟

به منظور تنظیم مناسب مباحث تحقیق آن را در پنج مبحث دسته بندی کرده ایم. در مبحث نخست، ادبیات تحقیق شامل تعریف مفاهیم، رویکردهای نظری به موضوع و چارچوب نظری مطلوب از نگاه نویسنده مطرح می شود. در مبحث دوم، جایگاه موضوع زن و خانواده در قانون اساسی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد و در مبحث سوم نیز جایگاه زن و خانواده در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش. بررسی می شود. در مبحث چهارم، جایگاه موضوع زن و خانواده در سیاست های کلی نظام در حوزه زنان که هنوز تصویب و ابلاغ نشده است و نیز جایگاه زن و خانواده در سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه مورد تحلیل قرار می گیرد. در این تحلیل سیاست های کلی چهار برنامه دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه با یکدیگر مقایسه و به نوعی روندشناسی می شود که آیا رویکردهای حاکم بر این برنامه ها متفاوت بوده است یا خیر؟ در مبحث پنجم، جایگاه موضوع زن و خانواده در قوانین برنامه های پنج ساله توسعه مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. در پایان، نیز در مبحث نتیجه گیری به نوعی پاسخ های ارائه شده برای سؤالات تحقیق مرور شده و فرضیه اصلی تحقیق مورد تأیید قرار می گیرد.

لازم به ذکر است که نوع تحقیق کاربردی و روش استفاده شده برای گردآوری اطلاعات روش اسنادی و روش شناسی حاکم بر کل تحقیق توصیفی-تحلیلی است.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

برخی از مفاهیم و اصطلاحات کلیدی که در این نوشتار به کرات استفاده می شود به شرح ذیل تعریف می شوند:

- **اسناد فرادستی:** در این تحقیق مقصود ما از اسناد فرادستی نظام شامل قانون اساسی، سیاست های کلی نظام، سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه، سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش.، و قوانین برنامه های پنج ساله توسعه است که سایر اسناد کشور از جمله برنامه های راهبردی، مقررات مصوب هیئت وزیران و شوراهای عالی، و سیاست های اجرایی در زمره اسناد پایین دستی بوده و باید در انطباق با این اسناد فرادستی تهیه و تصویب شوند.

- **سیاست‌های کلی:** در تعریف ارائه شده برای اصطلاح سیاست‌ها باید دقت شود که دو دسته سیاست در مباحث مربوط به سیاست‌گذاری ذکر می‌شود. یکی سیاست‌های کلی نظام و دیگری سیاست‌های اجرایی که در این تحقیق آنچه مد نظر ماست همانا سیاست‌های کلی نظام است که طبق اصل (۱۱۰) قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. اما در تعریف سیاست‌های کلی، تعریف ملی و رسمی در جمهوری اسلامی ایران تعریفی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه ۱۳۷۶/۱۰/۱۳ خود به تصویب رسانده است. این تعریف به شرح ذیل است:

«این سیاست‌ها برای تحقق آرمان‌ها و اهداف پس از مجموعه آرمان‌ها قرار می‌گیرند و حاوی اصولی هستند که آرمان‌ها را به مفاهیم اجرایی نزدیک می‌کنند و آن سیاست‌هایی هستند که در درون نظام عمل می‌نمایند، اعم از قوای سه گانه، نیروهای مسلح، صدا و سیما و همچنین نیروهایی می‌باشند که در درون جامعه کل فعالیت دارند که شامل سیاست‌های کلی بخشی و فرابخشی می‌شود.»
- **سیاست‌های کلی فرابخشی:** در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام، حرکت چند بخش را در بر می‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف نیاز به تدوین سیاست‌هایی کلی می‌باشد و سیاست‌های اجرایی و برنامه چند بخش در قالب این سیاست‌ها تدوین می‌گردد.
- **سیاست‌های کلی بخشی:** در مواردی است که هدف یا آرمانی از نظام، حرکت یک بخش را در بر می‌گیرد و برای وصول به آن هدف یا اهداف نیازمند تدوین سیاست‌های کلی آن بخش می‌باشد.^۱

با توجه به تعریف فوق‌الذکر باید تأکید کرد که سیاست‌های کلی حوزه زنان و خانواده از نوع سیاست‌های کلی فرابخشی محسوب می‌شود.
- **قوانین:** در تعریف قوانین نیز باید متذکر شد که منظور این تحقیق از کلمه قوانین شامل هم قانون اساسی مصوب فراندوم و هم قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی می‌باشد. قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه که به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد در زمره قوانین عادی قرار دارند.
- **دستگاه‌های اجرایی:** منظور همان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری می‌باشد. در این ماده در تعریف دستگاه اجرایی چنین تصریح شده است:
- **دستگاه اجرایی:** کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.
- **چشم‌انداز:** اصطلاح چشم‌انداز در این مقاله به معنای همان سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ. ش. است که پس از سال‌ها کار علمی و تخصصی، در دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه شد و پس از بحث و بررسی در جلسات مجمع، در نهایت مورد تأیید اعضای آن قرار گرفت و برای تصمیم‌گیری نهایی، برای مقام معظم رهبری ارسال شد. معظّم له نیز پس از اعمال اصلاحات لازم، این سند را در سال ۱۳۸۲ امضا و ابلاغ فرمودند. اما از میان تعاریف ارائه شده برای چشم‌انداز که با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ همخوانی داشته باشد، تعریف ذیل مناسب‌تر است:^۲

۱- روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجموعه مصوبات: سیاست‌های کلی، انتشارات اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع، تهران، بهار ۱۳۸۲.

۲- رضایی میرقاند، محسن و مبینی دهکردی، علی، ۱۳۸۵، ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات،

چشم انداز عبارتست از: ارائه یک تصویر مطلوب و آرمان قابل دستیابی که منظر و دورنمایی در افق بلند مدت، فراروی مدیریت عمومی جامعه قرار می دهد و دارای ویژگی های جامع نگری، آینده نگری، ارزش گرایی و واقع گرایی است. چشم انداز ملی، دستیابی به منافع ملی و اجرای قانون اساسی را مد نظر داشته و در پی ایجاد انگیزه برای همه ملت از پیر و جوان، شهری و روستایی و قشرها و آحاد مختلف جامعه است، ایجاد فرهنگ عمومی و مثبت اندیشی با حفظ وحدت اجتماعی و یکپارچگی ملی از پیامدهای آن است. چشم انداز ملی با در نظر گرفتن امکان تحقق در یک دوره (بلند مدت) بیست ساله و با توجه به شناخت محیط ملی (درونی) و بررسی نقاط قوت و ضعف تعیین می شود و به صورت اساسی، نگاهی دقیق به رخدادهای جهانی و روند تحولات محیط بین المللی (بیرونی) دارد تا فرصت ها و تهدیدات احتمالی را بشناسد و نحوه تعامل با محیط بیرونی و درونی را روشن سازد و با در نظر گرفتن سه عامل کلیدی تعیین کننده، شامل نیات استراتژیک، قابلیت های اساسی کشور و آرمان ها و منابع یک ملت طراحی می شود.

چارچوب نظری

چارچوب و رویکردهای نظری: به طور کل در برخورد با موضوع زن و خانواده که لازم است در این تحقیق تبیین شود، ادبیات و مبانی نظری به قدر کفایت تولید شده است و مباحث گسترده ای بالاخص در دو دهه اخیر مطرح شده اند. اما با توجه به محدودیت های یک مقاله علمی-پژوهشی که مهمترین آن رعایت ایجاز در کلام است، تلاش داشته ایم تا در مرور ادبیات، تأکید خود را بر مهمترین رویکردهای نظری معمول در نزد سیاستگذاران و قانونگذاران بگذاریم. لذا رویکردهای نظری شایع در حوزه زن و خانواده را در قالب سه رویکرد ذیل دسته بندی کرده ایم:

• رویکرد اعتدال گرا

باید اذعان کنیم که رویکرد غالب در جمهوری اسلامی ایران نسبت به موضوع زن و خانواده رویکرد اعتدال گرا بوده است. رهبران نظام، چه رهبر فقید حضرت امام خمینی (ره) و چه رهبر حاضر، حضرت آیت الله خامنه ای، و نیز اندیشمندانی همچون شهید مطهری که در شکل گیری مبانی نظری جمهوری اسلامی در حوزه خانواده نقش مؤثر داشتند، جملگی بر اساس این رویکرد به تبیین جایگاه زن و خانواده پرداخته اند.

بازتاب اندیشه و سیره عملی امام خمینی (ره) که هم در سخنرانی ها و رهنمودهای ایشان و هم در رفتار حکومتی ایشان یافت می شود، به نوعی دکترین نظام در حوزه زن و خانواده را مشخص ساخته است. ایشان ضمن تأکیدی که بر نقش محوری زن در خانواده و بالاخص نقش مادری وی در تربیت فرزند و نسل های آینده داشتند، از جمله فقهای روشنفکر و آگاه به زمان بودند که بلافاصله پس از عهده دار شدن مسئولیت ولایت امر مسلمین هم در سخنان و هم در عملکرد خود به نقش اجتماعی زن نیز توجه و تأکید نمودند. آنجا که فرمودند زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت نمایند چیزی جز تأیید برای حضور زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی نمی تواند تلقی شود. گذشته از سخنرانی ها و اعلام مواضع شفاف امام (ره) که روی هم رفته حاکی از باور ایشان به موازنه در ایفای هر دو نقش خانوادگی و اجتماعی زنان است بهتر می دانیم از سخنان و تحلیل دختر فرزانه و اندیشمند ایشان که در مورد دیدگاه امام نسبت به جایگاه زن اظهار نظر نموده اند نیز کمک بگیریم. خانم فریده مصطفوی در کتاب خود چنین نوشته اند: «حضرت امام (ره) این مسئله را به زن ها باوراندند که آنها می توانند هم در اجتماع فعال باشند و هم در سیاست دخالت کنند و هم همسری مهربان برای همسرشان و مادری دلسوز برای فرزندانشان و هم کدبانوی نمونه ای برای منزل خود باشند. امام چنان به زنان شخصیت دادند که آنان توانستند استعداد های خود را بروز داده و با اعتماد به نفس به کارهای بزرگی دست بزنند»^۱.

^۱ - مصطفوی (خمینی)، فریده، و جعفری ورامینی، فاطمه، ۱۳۸۲، زن از منظر اسلام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ص ۱۰۵

همچنین، اندیشمندانی همچون شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام بر اساس رویکرد اعتدال‌گرا معتقد است که زن هم نقش محوری در خانواده دارد و هم نقش اجتماعی در سرنوشت جامعه دارد و از این رو همزمان هم حقوق اجتماعی و هم حقوق خانوادگی برای وی به رسمیت شناخته می‌شود: «در حقوق اجتماعی زن به عنوان یکی از افراد بشر از حقوق اجتماعی غیرخانوادگی؛ یعنی از لحاظ حقوقی که در اجتماع بزرگ خارج از محیط خانواده نسبت به یکدیگر پیدا می‌کنند هم وضع مساوی دارند و هم مشابه؛ یعنی حقوق اولیه طبیعی آنها برابر یکدیگر و مانند یکدیگر است. همه مثل هم حق دارند از مواهب خلقت استفاده کنند، مثل هم حق دارند کار کنند، مثل هم حق دارند در مسابقه زندگی شرکت کنند، همه مثل هم حق دارند خود را نامزد هر پست اجتماعی بکنند و برای تحصیل و به دست آوردن آن از طریق مشروع کوشش کنند. همه مثل هم حق دارند استعدادهای علمی و وجودی خود را ظاهر سازند»^۱.

در کنار حقوق اجتماعی، شهید مطهری به حقوق خانوادگی زن چنین می‌پردازد: «اما در اجتماع خانوادگی چگونه؟ آیا افراد بشر در اجتماع خانوادگی نیز از لحاظ حقوق اولیه طبیعی وضع مشابه و همانندی دارند و تفاوت آنها در حقوق اکتسابی است؟ یا میان اجتماع خانوادگی؛ یعنی اجتماعی که از زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان، و برادران و خواهران تشکیل می‌شود با اجتماع غیرخانوادگی از لحاظ حقوق اولیه نیز متفاوت است و قانون طبیعی حقوق خانوادگی را به شکلی مخصوص وضع کرده است؟ در اینجا دو فرض وجود دارد: یکی اینکه زن و شوهری و پدر و فرزندی یا مادر و فرزندی مانند سایر روابط اجتماعی و همکاری‌های افراد با یکدیگر در مؤسسات ملی یا در مؤسسات دولتی، سبب نمی‌شود که بعضی افراد طبعاً وضع مخصوص به خود داشته باشند، فقط مزایای اکتسابی سبب می‌شود که یکی مثلاً رئیس و دیگری مرئوس، یکی مطیع و دیگری مطاع، یکی دارای ماهانه بیشتر و یکی کمتر باشد، زن بودن یا شوهر بودن، پدر یا مادر بودن و فرزند بودن سبب نمی‌شود که هر کدام وضع مخصوص به خود داشته باشند، فقط مزایای اکتسابی می‌تواند وضع آنها را نسبت به یکدیگر معین کند. فرضیه "تشابه حقوق زن و مرد در حقوق خانوادگی" که به غلط نام تساوی حقوق به آن داده‌اند مبتنی بر همین فرض است. طبق این فرضیه زن و مرد با استعدادهای و احتیاجات مشابه و با سندهای حقوقی مشابهی که از طبیعت در دست دارند در زندگی خانوادگی شرکت می‌کنند، پس باید حقوق خانوادگی بر اساس یکسانی و همانندی و تشابه تنظیم شود. فرض دیگر این است که خیر، حقوق طبیعی اولیه آنها نیز متفاوت است. شوهر بودن از آن جهت که شوهر بودن است وظایف و حقوق خاصی را ایجاد می‌کند و زن بودن از آن جهت که زن بودن است وظایف و حقوق دیگری ایجاد می‌کند. همچنین است پدر یا مادر بودن و فرزند بودن و به هر حال اجتماع خانوادگی با سایر شرکت‌ها و همکاری‌های اجتماعی متفاوت است. فرضیه "عدم تشابه حقوق خانوادگی زن و مرد" که اسلام آن را پذیرفته مبتنی بر این اصل است»^۲.

همچنین، اندیشه‌های مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به تبیین هرچه بیشتر این رویکرد کمک می‌نماید و ضمن تأیید بر دو نقش خانوادگی و اجتماعی زن نقطه عزیمت را نقش خانوادگی زن قرار می‌دهد:

«در مسئله زن آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، مسئله خانواده است؛ نقش زن به عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفا کند، این اهمیتش بیشتر است. البته بعضی‌ها این طور حرف‌ها را در همان نظر اول با شدت رد می‌کنند و می‌گویند آقا شما می‌خواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی می‌گوید: "والمؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یاأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر"؛ یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره جامعه اسلامی و پیشرفت جامعه

^۱ - مطهری، مرتضی، چاپ نوزدهم ۱۳۷۴، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، صص ۱۸۲

^۲ - همان، صص ۱۸۴-۱۸۳

اسلامی بر دوش همه است. بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانایی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که می‌تواند، شکی در این نیست. نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند - بحث در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه می‌کنیم. من می‌گویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفا کند آن نقشی است که به عنوان یک مادر و به عنوان یک همسر می‌تواند ایفا کند؛ این از همه کارهای دیگر او مهمتر است. این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکون و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم»^۱.

البته لازم به ذکر است که معظم^۱ له قبل از فرمایشات فوق‌الذکر نیز در دیداری که با جمعی از بانوان استان هرمزگان در تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۲۹ داشتند همین نکته را به شکل دیگری بیان نموده بودن و بر لزوم توجه همزمان به هم نقش خانوادگی و هم نقش اجتماعی زن چنین تأکید کردند: «ارزش زن به این است که بتواند محیط زندگی را برای خود و برای مرد و فرزندان، یک بهشت، یک مدرسه، یک محیط امن، یک جایگاه عروج به معارف معنوی و مقامات معنوی تبدیل کند؛ و آن وقتی که وظیفه او ایجاب می‌کند بتواند در سرنوشت کشور اثر بگذارد و در سرنوشت جامعه نقش ایفا کند که در این صورت نقش زن - همچنان که گفته شد - فقط پنجاه درصد نیست، نقش کمی نیست؛ بلکه نقش کیفی است. هم خود او نقش ایفا می‌کند، هم با استفاده از جاذبه‌ای که خدای متعال در وجود زن گذاشته است، فرزند و شوهر خود را در آن راهی که مطلوب است سوق می‌دهد و پیش می‌برد. بنابراین، نقش زن در این صورت نقشی مضاعف است»^۲.

جالب است بدانیم که امروزه در جوامع غربی که نقش خانواده کمرنگ شده و زنان به علت حضور بسیار زیادشان در عرصه‌های اجتماعی جایگاه و نقش مادرانه خود را از دست داده و به تعبیری در مواردی نیز تبدیل به کالا و ابزار شده‌اند، برخی از اندیشمندان این کشورها بر اساس همین رویکرد اعتدال‌گرا به دنبال احیای نقش مادرانه زن و تعدیل نقش مردان هستند. برخی از این افراد معتقدند که حتی اگر به دنبال برابری باشیم باید تصور خود را از معنای برابری گسترش دهیم - برابری چیزی بیش از صرف اشتغال زنان در خارج خانه است. بخشی از این گسترش باید شامل تغییر در نقش مردانه باشد. برابری مستلزم تغییر در نقش مردانه است، نه تنها به دلیل اینکه برابری واقعی میسر شود، بلکه به دلیل اینکه خود نقش مردانه نیز احتیاج به بازنگری دارد. به نظر می‌رسد که بر اساس همین رویکرد ارزش‌های جدیدی حاکم شود و حتی این ارزش‌ها جهانی شود. ارزشی همچون اینکه نقش زن را کمتر از نقش مرد ندانند و احترام و ارزشی برابر قائل شوند. در این برابری ارزشی نقش و جایگاه زن در خانواده به عنوان یک مادر به همان اندازه ارزش و اهمیت دارد که مرد مسئولیت تأمین معیشت را بر عهده دارد. اینکه در برخی از کشورها خانه‌داری را برای زن به عنوان یک شغل مهم در نظر می‌گیرند، گذشته از سیاست‌های تشویقی برای تنظیم و تعدیل جمعیت به عنوان یک سیاست برای تثبیت اهمیت و جایگاه و نقش زن در خانه است.

^۱ - سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با هزاران نفر از زنان نخبه و فعال در عرصه‌های مختلف در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۱۳.

^۲ - دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار، ۱۳۸۳)، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به انضمام بیانات و گفتگوی صمیمانه در جمع

• رویکرد فعال‌گرایی اجتماعی زن

در مقابل رویکرد نخست، گروه اندکی هستند که نسبت به نقش مادری و خانوادگی زنان کم توجه هستند و در شکل افراطی آن گروه‌های فمینیستی را شکل می‌دهند. این گروه‌ها، در واقع طرفدار رویکرد اصالت نقش اجتماعی زن هستند و به تعبیر خود شرایط برابر با مردان را برای زنان تعریف می‌کنند. فمینیست‌های افراطی در چارچوب این ادعا، در طلب به اصطلاح احیای حقوق فردی و اجتماعی فراموش شده زنان هستند و لذا در مناظرات خود برای این مهم، نقش زن در خانواده را کم‌رنگ نشان داده و اصالت را به حقوق اجتماعی وی می‌دهند. این گروه معتقدند اگر زن بتواند موقعیت اجتماعی و حقوق برابر با مردان را پیدا کند آنگاه می‌تواند از سایر حقوق فردی و از جمله حقوق خود در مناسبات خانودگی نیز دفاع کند. محققانی همچون جانت شیلی هاید در اثر خود تحت عنوان "روانشناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری" تلاش نموده‌اند که برخی از نظریه‌های طرفداران حقوق زنان را جمع-آوری و مقایسه کند. در این نظریه‌ها برخی از مفاهیم و مباحث به عنوان مفاهیم اصلی مطرح می‌شوند. مفاهیمی همچون جنسیت به عنوان موقعیت و قدرت که در نظریات افرادی چون میکر و ویت زل-آنیل (۱۹۹۷) و کیت میل (۱۹۶۹) و براون میلر (۱۹۷۵) و یودر و کان (۱۹۹۲) و مک کینون (۱۹۸۲) مطرح شده است؛ تمایلات جنسی که در نظریات افرادی همچون کاترین مک کینون (۱۹۸۲) مطرح شده؛ نقش‌های جنسیتی و جامعه‌پذیری که از میان نظریات مردم‌شناسانی همچون مارگارت مید (۱۹۴۹)، روسالدو (۱۹۷۴)، و سندی (۱۹۸۸) قابل استخراج است؛ و افزایش آگاهی که بیشتر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسط گروه‌های معروف به افزایش آگاهی زنان مطرح شد و از جمله افراد شاخص آن می‌توان به مک کینون اشاره کرد که چنین می‌گوید: افزایش آگاهی تکنیک اصلی تحلیل، ساختار سازمان، روش فعالیت، و نظریه تغییر اجتماعی نهضت زنان است. جانت شیلی هاید در تحلیل خود معتقد است که چندین نوع مختلف از نهضت طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در همه زمینه‌ها از تحلیل نظری گرفته تا مدلی که آنها برای تغییر اجتماعی ارائه می‌دهند تا دیدگاه آنها از جامعه آرمانی با یکدیگر متفاوت هستند. یکی از روش‌های طبقه‌بندی سه نوع اساسی از طرفداری از حقوق زنان را مفهوم‌سازی می‌کند: ۱- نهضت لیبرال یا غیرافراطی طرفداری از حقوق زنان، ۲- نهضت مارکسیستی یا سوسیالیستی طرفداری از حقوق زنان، ۳- نهضت بنیادگرایی طرفداری از حقوق زنان (مثلاً دکارد، ۱۹۸۳؛ جاگارد و استروهل ۱۹۷۸؛ جاگارد ۱۹۷۷). ۲.

لذا از نظریات فوق‌الذکر که هم به ابعاد روان‌شناختی و هم جامعه‌شناختی زن توجه داشته‌اند و به دنبال ایجاد تغییر در نظام مستقر و سنتی بوده‌اند می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که طرفداران برابری زن و مرد و به تعبیر خودشان طرفداران حقوق زن تلاش دارند تا از طریق تعریف و استیفای حقوق برابر نقش اجتماعی زنان را پررنگ‌تر نموده و آنان را به لایه‌های تصمیم‌گیری نزدیک‌تر سازند تا بتوانند در آینده موقعیت بهتری را برای زنان ایجاد کنند. فعال‌گرایی اجتماعی زنان، در واقع گام نخست به منظور ایجاد تغییر بزرگ است. در کشور ما نیز طرفداران حقوق زن بیش از آنکه به دنبال تقویت جایگاه زن در خانواده و نقش سنتی آن باشند بیشتر به دنبال تسهیل و تقویت حضور زن در عرصه‌های اجتماعی بوده‌اند و در این میان مسائل شغلی و امنیتی و آزادی‌ها و فعال‌گرایی اجتماعی زنان برای آنها دغدغه بوده است و کمتر نگران نقش مادرانه زن و جایگاه وی در خانواده بوده‌اند.

• رویکرد سنتی یا فعال‌گرایی خانودگی زن

طرفداران این رویکرد معتقد به اصالت نقش خانوادگی زن هستند. این طیف نیز که تعداد آنها محدود است بیشتر به دنبال این هستند که زن باید کما فی‌السابق همچون دوران گذشته به نقش مادری خود بپردازد و با تربیت فرزند به جامعه خدمت کند. اصرار بر حضور و مشارکت اجتماعی زنان در نگاه این طیف اخیر بیشتر تضعیف نهاد خانواده و بروز خلاء در تربیت انسان‌ها شده و در

۱- کاترین مک کینون استاد حقوق مطرح می‌کند که: «تمایلات جنسی برای طرفداران حقوق زنان همچون کار است برای پیروان مارکس: یعنی آنچه که بیشتر از چیزی به خود فرد تعلق دارد، اما در عین حال بیشتر از هر چیز دیگری از او دریغ شده است».

۲- شیلی هاید، جانت، ۱۳۸۳، روان‌شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه دکتر اکرم خمسه، انتشارات ارجمند و نشر آگه، تهران، صص ۱۰۳-۹۷

امتداد خود موجب بروز آسیب‌های اجتماعی و سایر مشکلات می‌شود و در واقع به هزینه‌های آن نمی‌ارزد. جالب است بدانیم که طرفداران این رویکرد صرفاً افرادی نیستند که در جوامع سنتی و به اصطلاح جوامع در حال توسعه یا کمتر توسعه یافته زندگی کنند، بلکه در جوامع مدرن همچون جامعه آمریکا نیز این رویکرد طرفداران خاص خود را دارد. خانم جانت شیلی هاید در اثر خود، به نوپیدایی یک نهضت سیاسی به نام "نیو رایت" یا راست جدید اشاره می‌کند. وی معتقد است که: «پیدایش این نهضت را باید به رسمیت شناخت (به منظور تحلیل طرفداری از حقوق زنان از نیو رایت به ایزن اشتاین، ۱۹۸۲ مراجعه کنید). نیو رایت از تغییر اجتماعی جدید بیزار است. ادعا می‌کند که موضوعش "طرفداری از خانواده" است، اما این نیو رایت، خانواده را به شکل محدودی تعریف می‌کند؛ یعنی یک زوج از دو جنس مختلف ازدواج کرده‌اند و دارای فرزند هستند، شوهر در نیروی کار مشغول است و زن تمام وقت در خانه می‌ماند. نیو رایت از اضمحلال پدرسالاری و فقدان قدرت پدر در خانواده تأسف می‌خورد. در واقع، عوامل نیو رایت بر ضد عوامل طرفداری از حقوق زنان عمل می‌کنند».

با توجه به رویکردهای فوق‌الذکر می‌توان برخی از اصول نظری را به عنوان اجزاء تشکیل دهنده برای چارچوب نظری این تحقیق به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

- ۱- بین دو مؤلفه زن و خانواده ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد و توسعه انسانی شایسته زنان می‌تواند منجر به توسعه و بهبود زندگی خانوادگی نیز بشود. به همین نحو، داشتن خانواده سالم و توسعه یافته نیز می‌تواند موجب تربیت بهتر و توسعه منابع انسانی کشور شود. این تلازم و ارتباط ریشه در نقش محوری زن در تشکیل، حفظ و اداره خانواده دارد.
- ۲- نقش و فعالیت‌های اجتماعی زنان در تعارض و منافات با نقش و جایگاه زن در خانواده نیست و نباید آیین دو نقش را در تعارض دانست. فی‌الواقع این دو نقش باید مکمل یکدیگر باشند.
- ۳- بر اساس رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و نصوص دینی مورد تأیید نگارندگان این تحقیق رویکرد مناسب در حوزه زن و خانواده همان رویکرد اعتدال‌گرایی است که به موجب آن هم نقش خانوادگی زن و هم نقش اجتماعی وی به طور متوازن باید مورد توجه قرار گیرد. غفلت از هر یک از این دو نقش می‌تواند موجب تضعیف نقش دیگر و هزینه‌های فردی و اجتماعی بسیار شود.
- ۴- در یک نظام اسلامی، نه تنها دولت، بلکه همه مردم چه در جامعه مدنی و چه در بخش خصوصی مکلفند برای نیل به توسعه پایدار مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در ارتقای متوازن نقش زن در خانواده و جامعه سهم خود را ایفا کنند.
- ۵- نباید رویکرد و مبانی نظری حاکم بر قانون اساسی، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ ه.ش، سیاست‌های کلی نظام، سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه و قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه در حوزه زن و خانواده با یکدیگر در تعارض باشند.

زن و خانواده در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران که محصول انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ است، از همان روزهای نخست استقرار خود برای نهاد خانواده اهمیت و ارزش والایی قائل شده است به طوری که در مقدمه قانون اساسی یکی از مباحث آن تحت عنوان زن در قانون اساسی به تبیین نقش و جایگاه خانواده و زن در نگاه قانونگذار اساسی پرداخته است:

«خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت (شیئی بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود

هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود».

بنابراین بند از مقدمه قانون، نقش خانوادگی و اجتماعی زنان به طور متوازن مورد توجه قانونگذار اساسی قرار گرفته است، با این قید که زن در ایفای نقش اجتماعی خود نباید کرامت انسانی خود را از دست بدهد.

همچنین، در اصل دهم قانون اساسی نیز بر جایگاه موضوع خانواده و لزوم تسهیل در تشکیل خانواده و تحکیم این نهاد مقدس چنین تصریح شده است:

« از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد».

این اصل نیز تأکیدی مجدد بر نقش خانوادگی زنان دارد و به عبارتی مشاء و قوام و استواری جامعه اسلامی را خانواده می‌داند. این اصل از قانون که طبق مبانی نظری این تحقیق نقش زن را محدود به فعالیت وی در عرصه‌های اجتماعی نمی‌داند، در واقع می‌خواهد تأکید کند که بدون نقش خانوادگی زن نقش اجتماعی وی نمی‌تواند مسیر لازم به سوی تکامل انسانی و توسعه پایدار مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را محقق سازد.

گذشته از اصل (۱۰) قانون اساسی، موضوع خانواده در اصل (۴۳) قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در بند (۱) از اصل (۴۳) یکی از ضوابطی که برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی وی، اقتصاد کشور بر آن استوار شده است، چنین تصریح شده است: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه».

از این بند نیز چنین استنباط می‌شود که تشکیل خانواده از اهداف راهبردی نظام است تا از این طریق بتواند اهداف اساسی و کلانی همچون حفظ استقلال، آزادی، گسترش عدالت، و حفظ تمامیت ارضی را تحقق بخشد.

در کنار اصول فوق‌الذکر، باید بر این نکته نیز اذعان کرد که هیچ یک از اصول قانون اساسی منعی را برای حضور اجتماعی زنان قائل نشده است و حتی برخی از اصول نیز بر حق برابر زنان برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی تصریح نموده‌اند. از جمله می‌توان به اصل (۲۰) قانون اساسی اشاره کرد: « همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». از جمله این حقوق می‌توان مشارکت در سرنوشت سیاسی و اجتماعی کشور را ذکر کرد که تجربه عملی نظام جمهوری اسلامی از روزهای آغازین پیروزی انقلاب و استقرار نظام تا به امروز مؤید همین واقعیت بوده است.

بنابراین، در یک قضاوت منصفانه و کارشناسی باید اذعان کرد که چه متون تصریح شده در مقدمه و برخی از اصول مربوط به زن و خانواده در قانون اساسی و چه روح حاکم بر سایر اصول این قانون، جملگی از اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرا به نقش و حضور متوازن خانوادگی و اجتماعی زن حکایت می‌کنند.

زن و خانواده در سند چشم‌انداز

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هـ.ش. که از آن به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تعبیر می‌شود، در واقع برنامه بلند مدت توسعه جمهوری اسلامی ایران است. این نوع از برنامه بلند مدت که از نوع آرمانی است به یک نظام کمک می‌کند تا بتواند به سوی آینده مطلوب و البته باور کردنی و ممکن و محتمل حرکت کند. به عبارت دیگر، آرمانی بودن باید تا حدی رعایت شود که تبدیل به خیال‌پردازی نشود و امکان وقوع آن محتمل باشد. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۲ نهایی و به

تصویب مقام معظم رهبری رسید و سپس در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۲۳ توسط ایشان ابلاغ گردید.^۱ در این سند هشت ویژگی برای جامعه ایرانی برشمرده شده است که می توان به شرح ذیل جایگاه زن و خانواده را نیز در این هشت ویژگی مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

در این ویژگی تصریح شده است که جامعه ایرانی در سال ۱۴۰۴ باید در توسعه الگوی خاص خود را داشته باشد و به عبارتی الگوی بومی شده پیشرفت در ایران باید متناسب با فرهنگ ایرانی-اسلامی و با احترام به تاریخ و پیشینه کشور باشد. لذا در ارتباط با موضوع زن و خانواده اگر بخواهیم گذشته کشورمان را مد نظر قرار دهیم باید برای جایگاه خانواده قداست قائل شده و طبق ارزش های اسلامی جایگاه محوری زن در حفظ و تحکیم خانواده را پاس بداریم. لذا چه در محیط خانواده و چه در محیط اجتماع، زن از یک سو به عنوان یک انسان از حقوق و آزادی های مشروع برخوردار است و باید از امنیت اجتماعی و قضایی نیز برخوردار باشد و از سوی دیگر زن به عنوان جنس زن و متفاوت از مردان باید از عدالت اجتماعی بهره مند شود و نه تنها جنسیت وی موجب تبعیض علیه وی نگردد، بلکه با توجه به ویژگی های طبیعی و روانشناختی حتی امتیازاتی برای جبران استثمار و استضعاف تاریخی برای او قائل شد. استفاده از عبارت اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی ما را بدین سمت رهنمون می شود که در حوزه زن و خانواده نیز نظام جمهوری اسلامی رویکرد اعتدال گرای خاص خود را دارد و در چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقش اصیل و خانوادگی زن را مغفول نخواهد گذاشت.

۲- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فن آوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

برای تحقق این ویژگی نمی توان ظرفیت ها و پتانسیل موجود در زنان کشور و بالاخص زنان تحصیل کرده و متخصص را نادیده گرفت. نیمی از منابع انسانی کشور زن هستند که در گروه های سنی مختلف دوشادوش مردان در حرکت هستند. در چند سال اخیر وضعیت آموزشی و تحصیلی زنان بیش از گذشته بهبود یافته است و طبق آمار موجود در کشور پیش بینی می شود سهم زنان در تولید علم و فناوری بالاتر برود و سهم آنان در عرصه مدیریت نیز ارتقا یابد. اگر برخی از شاخص های توسعه منابع انسانی از جمله سلامت، آموزش، مشارکت و اشتغال مولد را در نظر بگیریم می توان مدعی شد که برای نیل به سهم برتر در حوزه منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی باید همزمان هم برای حضور مؤثر زنان در خانواده و به عبارتی بر ایفای نقش خانوادگی زن و هم برای حضور زنان در عرصه های اجتماعی برنامه ریزی کرد. ارتقای سلامت و آموزش در جامعه نیاز به همکاری جدی خانواده با نهادهای آموزشی دارد که این بار سنگین بر دوش مادران است. از سوی دیگر، ارتقای مشارکت که هم از شاخص های توسعه انسانی و هم از مؤلفه های سرمایه اجتماعی است نیز باید در برنامه های کشور لحاظ گردد تا بتوان به این ویژگی؛ یعنی سهم برتر در حوزه سرمایه اجتماعی برسیم.

۳- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.

در این ویژگی نیز در کنار لزوم ارتقای مشارکت همه جانبه ملی توجه به برخی از دیگر مؤلفه های سرمایه اجتماعی همچون اعتماد متقابل بین جامعه و حکومت؛ مسئولیت اجتماعی؛ آگاهی عمومی؛ اخلاقیات؛ روابط متقابل؛ اصول و هنجارها و ارزش ها؛ مقررات

¹ <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=67ee04aa-7171-4f72-bdf7-e6f68c3547e5>

رفتاری؛ امنیت؛ نهادهای عمومی و مدنی؛ تحزب و مشارکت سیاسی؛ انتخابات؛ قانون‌مداری مورد توجه قرار می‌گیرد.^۱ اگر این مؤلفه‌ها بهبود یابد می‌توان انتظار داشت که منجر به ارتقای پیوستگی و انسجام ملی شود و در نتیجه به کشوری امن، مستقر و مقتدر دست یابیم. مسلماً در این خصوص نیز نقش‌آفرینی زنان به عنوان بخشی از شهروندان جامعه ضروری است و از میان مؤلفه‌های فوق‌الذکر هیچ موردی وجود ندارد که نقش و سهم زنان بخواهد کم‌رنگ‌تر از مردان باشد. همچنین، به سادگی قابل درک است که نقش و سهم خانواده در تحقق و بهبود مؤلفه‌های مدنظر قابل انکار نیست و در واقع نقطه شروع برای بهبود عمده این مؤلفه‌ها همانا خانواده است و باید از دوران کودکی و از محیط خانواده آغاز کرد که در این فرایند نقش زنان چه بسا از مردان نیز بیشتر و مؤثرتر خواهد بود.

۴- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، دوری از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب.

به نظر می‌رسد که در این ویژگی نقش خانوادگی زنان بیشتر مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است، چرا که نیل به برخی از ویژگی‌ها همچون سلامت، نهاد مستحکم خانواده، و دوری از فساد با محوریت و حضور جدی زنان از طریق اتکا بر شأن و جایگاه مادرانه آنان بهتر محقق می‌شود. البته در کنار این ویژگی‌ها، رسیدن به رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر و دوری از فقر و بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم بیشتر از طریق نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود.

۵- فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب، نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

این ویژگی‌ها که بعضاً تحت تأثیر تربیت و هویت‌سازی دوران کودکی و جوانی قرار دارد، نیازمند تأکید بر نقش خانوادگی زنان است. فعال بودن یک جامعه و مسئولیت‌پذیری و ایثارگری افراد و یا مؤمن بودن و داشتن انضباط و روحیه تعاون از جمله ویژگی‌هایی هستند که باید از دوران کودکی و با تربیت خانوادگی آغاز شود. آنچه تعبیر از تربیت خانوادگی می‌شود در واقع این قبیل ویژگی‌ها را در بر می‌گیرد. اگر فرد از کودکی و توسط خانواده تربیت نشود در بزرگسالی نمی‌توان بر خی از ویژگی‌ها را در او شکوفا ساخت. در اینجا است که زنان ایرانی به عنوان مادرانی هوشیار باید وارد صحنه شوند. البته این نقش خانوادگی منکر نقش اجتماعی آنان در این زمینه نمی‌شود. در عرصه اجتماع نیز زنان می‌توانند در مقام معلم، کارمند، کارگر، مدیر و برنامه‌ریز به تحقق این ویژگی‌ها کمک کنند.

۶- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

این ویژگی بیشتر معطوف به نقش اجتماعی زنان است. البته این ارتباط مطلق نیست و نمی‌توان مدعی شد که مادران نقشی در تولید علم ندارند، چرا که ایجاد یک محیط آرام، امن، سالم و انرژی‌بخش در خانواده می‌تواند بر رشد علمی فرزندان و پدر یک خانواده اثر بگذارد که نقش اساسی زنان به عنوان مادر و همسر در این زمینه انکارناپذیر است.

۷- الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

۱ برای اطلاعات بیشتر در زمینه مؤلفه‌ها و مشخصه‌ها و ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به این منبع رجوع شود: صالحی امیری، سید رضا و کاوسی، اسماعیل، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۳۲-۱۳

در این ویژگی رسیدن به جامعه اخلاقی از طریق خانواده و با محوریت نقش خانوادگی زن آغاز می شود. حتی در مقوله ای همچون مردم سالاری نیز باید تربیت مردم سالارانه را از خانواده آغاز کرد و انسان اولین تجربه های مشارکت و همفکری را از محیط خانواده آغاز می کند. مابقی موارد به نقش اجتماعی زنان مربوط می شود. لازم است برای تحقق این ویژگی ها زنان جوان را به گونه ای توانمند سازیم که بتوانند در سطح فراملی فعال شوند و این خود نیازمند حضور فعال اجتماعی در سطح ملی است.

۸- دارای تعامل سازنده با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

در این ویژگی نقش اجتماعی زنان مؤثر است. حمایت اجتماعی زنان از حکومت اسلامی و اعتماد به این حکومت می تواند به حفظ و تقویت عزت حکومت اسلامی کمک نماید.

بنابراین، در تحلیل محتوای سند چشم انداز نیز باید اذعان کرد که نقش خانوادگی و نقش اجتماعی زنان در کنار هم دیده شده و در واقع این دو نقش مکمل هم هستند و هیچ یک بر دیگری ارجحیت ندارد. رویکرد حاکم بر این سند نیز رویکرد اعتدال گراست.

زن و خانواده در سیاست های کلی

در این مبحث دو دسته از سیاست های کلی؛ یعنی هم سیاست های کلی نظام و هم سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه را به تفکیک ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار می دهیم.

✓ زن و خانواده در سیاست های کلی نظام

در ابتدا موضوع سیاست های کلی نظام در حوزه زن و خانواده را مورد توجه قرار می دهیم. در این خصوص باید متذکر شد که هر چند مسائل زن و خانواده از جمله مسائل و دغدغه های مسئولان ارشد نظام جمهوری اسلامی ایران و بالاخص حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بوده است، لکن تا سال ۱۳۹۵ سیاست های کلی در این حوزه بسیار راهبردی و حساس تدوین و تصویب و ابلاغ نشده بود. شاید علت این امر در شرایط سه دهه پیشین باشد که زنان از همان ابتدای آغاز نهضت مقدس انقلاب اسلامی در کنار مردان به جهاد پرداختند و هم در پیروزی انقلاب و پس از آن در ۸ سال دفاع مقدس و سپس در سازندگی کشور نقش آفرینی کردند. روحیه جهادی و عشق به اسلام و میهن اسلامی موجب شده بود زنان در کنار بسط فعالیت های اجتماعی خود نقش اصیل و اساسی خود در امر تربیت فرزند و حفظ و تقویت کانون خانواده را نیز حفظ نمایند. اما در دهه اخیر به علت تأثیراتی که پدیده هایی همچون جهانی شدن و فناوری های نوین بر تغییر سبک زندگی گذاشته است، به نظر می رسد نقش و جایگاه نهاد خانواده آن طور که منطبق با رویکردها و مبانی نظری اسلامی باشد تغییر نیافته و حتی تا حدودی نیز دستخوش آسیب شده است. در این شرایط نیاز به داشتن سیاست های کلی در زمینه زن و خانواده که بتواند هدایت بخش سیاستگذاران و برنامه ریزان و قانونگذاران کشور باشد احساس شده است. لذا دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام ضمن هماهنگی لازم و بنا به رعایت اصل (۱۱۰) قانون اساسی از سال ۱۳۹۱ اقدام به تدوین پیش نویس سیاست های کلی نظام در حوزه خانواده نمود و مراحل مربوط به فرایند سیاست گذاری در این زمینه تا مرحله نهایی آن؛ یعنی تصویب سیاست های کلی خانواده و ابلاغ آن توسط مقام معظم رهبری در شهریور ۱۳۹۵ پیش رفته است. سیاست های کلی خانواده که در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۹۵ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید شامل ۱۶ بند سیاست کلی می باشد و پارادایم حاکم بر آن همانا چارچوب سبک زندگی ایرانی اسلامی بوده است که در آن خانواده نقش تربیتی اصیل خود را ایفا نموده و بستر اولیه برای توسعه انسانی و بالتبع نیل به توسعه پایدار مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را فراهم می سازد.

✓ زن و خانواده در سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه

یکی از اسناد فرادستی که می تواند بر وضعیت و جایگاه زن و خانواده در کشور تأثیر بگذارد سیاست های کلی برنامه های پنج ساله توسعه است. این سیاست ها که برای اولین بار از برنامه دوم توسعه شروع شد در واقع چارچوب لازم برای تدوین کنندگان لوایح قوانین برنامه های پنج ساله توسعه را ترسیم می کند تا به ایشان و نیز به قانونگذار کمک نماید تا خطوط کلی و سیاست های تنظیم

شده نظام برای یک دوره پنج ساله را مد نظر قرار دهند. تشخیص اینکه چگونه می‌توان اهداف و آرمان‌های چشم‌انداز ۲۰ ساله را تحقق بخشید توسط سیاستگذار کلی (مقام معظم رهبری) بهتر از سایر مراجع تشخیص داده می‌شود و لذا با تدوین و تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله، هم به مجموعه دولت برای تهیه لوایح قوانین برنامه‌های پنج ساله کمک می‌شود و هم به قانونگذاران در مجلس شورای اسلامی کمک می‌شود تا در تنظیم مواد قانونی برای ۵ سال آینده به انحراف نروند.

۷ زن و خانواده در سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه^۱

در این سیاست‌ها هیچ بند خاصی به طرح مسئله زنان و مشخص ساختن رویکرد و یا سیاست نظام در قبال وضعیت زنان و خانواده نپرداخته است. لذا در میان بندهای این سیاست‌ها فقط می‌توان چند مورد که اجرای آنها می‌تواند به نوعی بر وضعیت زنان نیز اثر بگذارد اشاره کرد. این موارد شامل بند ۱ از بند ۱: گسترش و بهبود نظام تأمین اجتماعی؛ و بند ۶ - جهت دادن کلیه فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حساسیت‌ها و باور دینی، گسترش ارزش‌های انقلابی، حفظ کرامت انسانی، ایجاد نظم و قانون‌پذیری و روحیه کار و تلاش و خوداتکایی و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و پرداختن به زواید؛ و بخشی از بند ۸ - توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه مردم در سازندگی کشور می‌شود.^۲

۷ زن و خانواده در سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه^۳

در سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه توجه به زن و خانواده در مقایسه با سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه به طور قابل توجه شفاف‌تر می‌شود، به طوری که در دو بند به موضوعات ازدواج جوانان و نیز حضور و جایگاه زن هم در خانواده و هم در صحنه‌های اجتماعی تصریح می‌شود:^۴

« ۲۴ - اهتمام به موضوع "جوانان"، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسئولیت‌پذیری و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی و علمی آنان. . . ۲۵ - تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان». همان‌طور که ملاحظه می‌شود در بند ۲۵ تقویت نهاد خانواده با تمرکز بر جایگاه زن در این نهاد مورد تأکید قرار گرفته و هم‌زمان به ابعاد اجتماعی وجود زن و حضور وی در جامعه نیز توجه شده است. همچنین، از استیفای حقوق زن چه حقوقی که به واسطه شرع مقدس به وی تعلق می‌گیرد و چه حقوقی که به واسطه قوانین موضوعه برخوردار می‌شود نیز تصریح شده است.

۷ زن و خانواده در سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه^۵

در میان بندهای مختلف سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله چهارم توسعه نیز موارد معدودی هستند که به موضوع جایگاه زن و خانواده مربوط می‌شوند که به شرح ذیل بیان می‌شود:^۶

« ۱۴ - تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان. . . ۲۷ - توسعه نظم و امنیت عمومی و پیشگیری و مقابله مؤثر با جرائم و مفسدات اجتماعی و امنیتی از طریق تقویت و هماهنگی دستگاه‌های قضایی، امنیتی و نظامی و توجه جدی در تخصیص منابع به وظایف مربوط به اعمال حاکمیت دولت».

۱- مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۸ مقام معظم رهبری

² <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=d5a54ea8-b1cc-44ce-bbe8-cfdd48c200d8>

۳- مصوب ۱۳۷۸/۰۳/۰۱ مقام معظم رهبری

⁴ <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=10e6ac4a-73a3-4c83-b821-7bed9c212a8e>

۵- ابلاغی در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۲۰ از سوی مقام معظم رهبری

⁶ <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=6e386897-5584-4ac0-835c-861690ab72f8>

همان طور که بند (۱۴) همچون بند متناظر خود در سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه تصریح دارد تقویت جایگاه زن در نهاد خانواده به موازات جایگاه وی در صحنه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. در مورد حقوق زنان نیز حقوق شرعی و قانونی توأمان ذکر شده است.

۷ زن و خانواده در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه

از میان بندهای سیاست‌های کلی برنامه پنجم دو بند به موضوع جایگاه زن و خانواده مربوط می‌شود که محتوای بند ۱۲ این سیاست‌ها هم در متن سیاست‌های کلی برنامه سوم و هم در سیاست‌های کلی برنامه چهارم با همین متن و سیاق تکرار شده بود و این مورد نیز مجدداً تأکیدی است بر اینکه از نظر تدوین‌کنندگان و مراجع تصویب سیاست‌های کلی جایگاه زن باید هم در خانواده و هم در صحنه‌های اجتماعی به موازات هم و به صورت متوازن تقویت شود. در کنار این مهم بند مذکور تأکید می‌کند که حقوق شرعی و قانونی بانوان نیز در همه عرصه‌ها باید استیفا شود. در ذیل ماده مذکور آمده است:^۱

« ۱۲- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان. . . . ۲۰-۳- استفاده از ابزارهای فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها برای پیشگیری و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی.»

۷ زن و خانواده در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه

در میان بندهای سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله ششم توسعه فقط بند (۴۶) این سیاست‌ها به طور خاص به موضوع جایگاه زن و خانواده مربوط می‌شوند که به شرح ذیل حاکی از اعمال رویکرد اعتدال‌گرا در نزد سیاستگذار می‌باشد:

« ۴۶- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان.»^۲

همان طور که در سیاست فوق تصریح شده است، سیاستگذار در ابتدا به لزوم تقویت جایگاه زن در نهاد خانواده تأکید نموده و سپس با این پیش فرض که زنان در همه عرصه‌ها اعم از اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و . . . دارای حقوقی هستند خواسته است که زنان در عرصه‌های خرج از محیط خانواده هم بتوانند نقشی مؤثر داشته باشند. لذا توجه به حضور زن در خانواده و اعمال نقش خانوادگی وی به طور متوازن در کنار توجه به نقش‌آفرینی زن در محیط اجتماعی مورد توجه و اهتمام سیاستگذار در برنامه ششم توسعه می‌باشد.

به طور کل، آنچه از بررسی سیاست‌های کلی پنج برنامه پنج ساله دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه برداشت می‌شود این است که رویکرد غالب در نزد تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان این سیاست‌ها که در رأس همه شخص مقام معظم رهبری قرار دارند، رویکرد اعتدال‌گرا به نقش و جایگاه زن بوده است. در هر پنج مورد از سیاست‌های کلی برنامه‌های دوم تا ششم توسعه هم تقویت خانواده با محوریت زن مورد تأکید قرار گرفته و هم بر لزوم تقویت جایگاه زن در عرصه‌های اجتماعی تصریح شده است.

زن و خانواده در قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه

پس از اینکه سیاست‌های کلی در حوزه زنان و خانواده اعم از سیاست‌های کلی نظام یا سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه به تصویب مقام معظم رهبری رسید و توسط ایشان ابلاغ شد، باید تدابیر لازم برای اجرای این سیاست‌ها صورت گیرد. به جرأت می‌توان ادعان نمود که اولین اقدام یا تدبیر برای اعمال این سیاست‌ها تبدیل آنها به قوانین عادی و برنامه‌های راهبردی است تا بتوان زمینه‌های لازم برای تدوین و اجرای برنامه‌های اجرایی را نیز فراهم ساخت. هر چند دستگاه‌های اجرایی نیز می‌توانند حسب وظیفه و تعهد و تکلیف خود بدون اینکه قانونی برای تبیین بیشتر این سیاست‌ها وضع شده باشد در قالب برنامه‌ریزی راهبردی نسبت به

^۱ <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=ec1078af-1005-49d6-a9ba-5b7b0611a7a8>

^۲ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128>

تبدیل این سیاست‌ها به راهبرد اقدام نموده و سپس در مراحل بعد راهکارهای لازم برای اجرایی شدن راهبردها را نیز تدوین و اجرا نمایند، لکن باید بهترین روش و مطمئن‌ترین راه برای اینکه سیاست‌های کلی در کشور اعمال شود را تبدیل آنها به قوانین عادی دانست. قوانین عادی در مقایسه با برنامه‌های راهبردی از ضمانت اجرای بیشتری برخوردارند. از آنجا که مرجع تصویب برنامه‌های راهبردی برخی از شوراها عالی و یا هیئت وزیران است، لذا با تغییر دولت این برنامه‌ها نیز دستخوش تغییر می‌شوند و حتی در مواردی کاملاً از دستور کار دولت خارج می‌شوند. این در حالی است که قوانین عادی نظر به اینکه قانون هستند لازم‌الاجرا بوده و دستگاه‌های اجرایی موظف هستند برای اجرای آن پاسخگو باشند. نهاد نظارتی بر این قوانین نیز مجلس شورای اسلامی است که از طریق اعمال نظارت پارلمانی ضمانت اجرای این قوانین را بالا می‌برد.

نکته‌ای که باید در این مجال یادآور شد این است که باید محتوای قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه با سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه در انطباق باشد. هر چند در حقوق عمومی اصل انطباق قوانین با قوانین بالادست مورد پذیرش همه نظام‌های حقوقی است، اما در کشور ما گذشته از اینکه قوانین عادی باید در انطباق با قانون اساسی باشند، باید در انطباق با سیاست‌های کلی بوده و مغایرتی نیز نداشته باشند.

اما وظیفه انطباق قوانین عادی با قانون اساسی با شورای نگهبان است^۱ در حالی که وظیفه انطباق قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه با سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه توسط مقام معظم رهبری به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض شده است. این مطلب را می‌توان از حکم مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۵ مقام معظم رهبری در مورد سیاست‌های کلی دریافت. معظم له چنین تصریح کرده‌اند: «توصیه‌های دیگر اینجانب عبارت است از اولاً پیش‌بینی وسیله‌ای در خود آن مجمع برای نظارت بر اعمال سیاست‌های مصوب در برنامه‌ها و مقررات کشور که در واقع مقدمه‌ای برای تضمین اجرای آن مصوبات است. و ثانیاً تعیین هیئتی که مصوبات بخش‌های گوناگون را تلفیق و از بروز تعارض و ناهماهنگی میان آنها جلوگیری کند»^۲. در واقع، مجمع تشخیص مصلحت نظام به استناد حکم صریح مقام معظم رهبری وظیفه اعمال نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی و نیز تطبیق قوانین و مقررات و برنامه‌ها با این سیاست‌ها به منظور کنترل عدم مغایرت آنها با سیاست‌های کلی را برعهده دارد. لذا در زمانی که قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد، دو مرحله دیگر را باید طی کند تا به تأیید شورای نگهبان برسد. مرحله اول این است که میزان انطباق این قوانین با قانون اساسی و عدم مغایرت آن با قانون اساسی و شرع مقدس به تأیید شورای نگهبان برسد و همزمان انطباق آن با سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله توسعه نیز به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد.

با این توضیح مختصر، باید قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه را بهترین ابزار برای اعمال سیاست‌های کلی، اعم از سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه، دانست. در ذیل، قوانین سه برنامه پنج ساله سوم و چهارم و پنجم توسعه را مورد بررسی قرار داده و روند توجه به موضوع زنان را در این سه برنامه مورد مقایسه قرار می‌دهیم. در این مقایسه رویکردهای اتخاذ شده در قبال موضوع زن و خانواده تطبیق داده می‌شود.

◀ زنان و خانواده در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

در قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه مباحث مربوط به ساماندهی امور زنان در ذیل فصل (۲۱) این قانون تحت عنوان فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی آورده شده است.^۳

«ماده ۱۵۸- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف است در جهت زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقدامات ذیل را به عمل آورد:

^۱ لزوم عدم مغایرت قوانین عادی با قانون اساسی و احکام اسلام طبق اصل (۹۱) قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است. برخی صاحب‌نظران معتقدند که در اصل (۹۴) انطباق با هدف یافتن مغایرت صورت می‌پذیرد؛ یعنی هدف اصلی احراز عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی است

^۲ روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۸، مجموعه مصوبات: سیاست‌های کلی، اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع، ص ۲۴.

^۳ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>

الف- با بهره گیری از اصول و مبانی اسلامی و با در نظر گرفتن تحولات آینده جامعه، نیازهای آموزشی و فرهنگی و ورزشی خاص زنان را شناسایی کرده و طرح های مناسب را برحسب مورد از طریق دستگاه های اجرایی ذی ربط تهیه و برای تصویب به مراجع مربوط پیشنهاد کند.

ب- طرح های لازم برای افزایش فرصت های اشتغال زنان و ارتقاء شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش بینی شده در این قانون و متضمن اصلاحات ضروری در امور اداری و حقوقی را تهیه و به منظور تصویب به هیأت وزیران ارائه کند.

ج- با سازماندهی فعالیت های مشترک با دستگاه های مسئول در قوه قضائیه، طرح های لازم برای تسهیل امور حقوقی و قضائی زنان را تهیه و برحسب مورد از طریق دستگاه های مسئول پی گیری کند.

د- برای بهره گیری از خدمات مختلف اجتماعی زنان در زمینه های مالی، حقوقی، مشاوره ای، آموزشی و ورزشی، طرح های لازم با اولویت قایل شدن برای زنان خودسرپرست و بی سرپرست مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته و گروه های محروم جامعه در زمینه حمایت از تشکیل سازمان های غیردولتی، تهیه و برحسب مورد به دستگاه های اجرایی یا دولت منعکس کند تا پس از تصویب از طریق دستگاه های ذی ربط اجرا شوند.

همان طور که از مفاد این ماده قابل استنباط است رویکرد حاکم بر آن رویکرد تعادل گراست، چرا که هم به نقش خانوادگی زنان توجه دارد و هم به شأن و جایگاه آنان در عرصه اجتماع نظر دارد. در عین حال، از میان موضوعات مرتبط با حضور زن در جامعه به مسائل مربوط به اشتغال و مشارکت اجتماعی آنان بیشتر توجه شده است.

◀ زنان و خانواده در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

در قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه مباحث مربوط به ساماندهی امور زنان در ذیل فصل (۹) این قانون تحت عنوان توسعه فرهنگی آورده شده است. در ماده (۱۱۱) این قانون چنین تصریح شده است:^۱
«دولت موظف است، با هدف تقویت نقش زنان در جامعه و توسعه فرصت ها و گسترش سطح مشارکت آنها در کشور، اقدام های ذیل را معمول دارد:

- الف) تدوین، تصویب و اجرای برنامه جامع توسعه مشارکت زنان مشتمل بر: بازنگری قوانین و مقررات، به ویژه قانون مدنی، تقویت مهارت های زنان متناسب با نیازهای جامعه و تحولات فن آوری، شناسایی و افزایش ساختارهای سرمایه گذاری در فرصت های اشتغالزا، توجه به ترکیب جنسیتی عرضه نیروی کار، ارتقای کیفیت زندگی زنان و نیز افزایش باورهای عمومی نسبت به شایستگی آنان.
- ب) تنظیم و ارائه لوایح، مربوط به تحکیم نهاد خانواده جهت تصویب در مراجع ذی صلاح.
- ج) انجام اقدام های لازم، از جمله تهیه برنامه های پیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی به منظور رفع خشونت علیه زنان.
- د) تقدیم لایحه حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیردولتی، نهادهای مدنی و تشکل های زنان به مجلس شورای اسلامی.

تبصره- کلیه دستگاه های اجرایی موظف اند اعتبار لازم برای انجام تکالیف قانونی موضوع این ماده را که مرتبط با وظایف قانونی آنها است در لوایح بودجه سنواتی ذیل برنامه مربوط، پیش بینی و اقدام های لازم را با هماهنگی مرکز امور مشارکت زنان به عمل آورند.

همان طور که از مفاد این ماده مشخص است، در مقایسه با ماده (۱۵۸) قانون برنامه سوم توسعه، به شکلی شفاف تر با اتخاذ رویکرد اعتدال گرا، هم به لزوم ارتقای نقش و مشارکت زنان در فعالیت های اجتماعی و هم به لزوم تقویت نقش آنان در تحکیم نهاد

^۱ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99696>

خانواده توجه شده است. از سوی دیگر، همزمان هم رویکرد آسیب‌شناسانه و هم رویکرد ارتقایی به مسائل پیش روی زنان اتخاذ شده است.

◀ زنان و خانواده در قانون پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

اما در قانون پنجم توسعه مباحث مربوط به ساماندهی امور زنان در ذیل فصل نهم این قانون و در ماده (۲۳۰) آورده شده است.^۱

«ماده ۲۳۰- دولت با همکاری سازمان‌ها و دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله مرکز امور زنان و خانواده با هدف تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و استیفاء حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه زمینه‌ها با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده، بازنگری قوانین و مقررات مربوطه، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه و ساماندهی امور اقتصادی - معیشتی با اولویت ساماندهی مشاغل خانگی برای زنان سرپرست خانوار و زنان بدسرپرست، تأمین اجتماعی، اوقات فراغت، پژوهش، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقاء سلامت، توسعه توانایی‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر و نخبه، توسعه تعاملات بین‌المللی، تعمیق باورهای دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده اقدام قانونی نماید.»

این قانون نیز در مقایسه با قوانین دو برنامه سوم و چهارم کماکان بر اساس رویکرد اعتدال‌گرا توجهی متوازن به دو نقش خانوادگی و اجتماعی زنان نموده است؛ بدین معنا که تکلیف دولت در قبال ارتقای نقش و جایگاه زنان در تحکیم نهاد خانواده در ادامه روند برنامه‌های سوم و چهارم استمرار یافته و در خصوص تقویت جایگاه زن در عرصه‌های اجتماعی نیز تکالیف مشخص برای دولت تعیین شده است. البته، این حکم قانونی در مقایسه با احکام مشابه در دو برنامه سوم و چهارم توسعه، به اقدام نزدیک‌تر است، چرا که قانونگذار دولت را مکلف نموده تا با تدوین و تصویب «برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده» نسبت به ساماندهی امور زنان اقدام نماید.

به طور کل، باید اذعان کرد که جایگاه زن و خانواده در قوانین برنامه‌های سوم و چهارم و پنجم توسعه متناسب با رویکردهای حاکم بر قانون اساسی، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هـ.ش، سیاست‌های کلی نظام در حوزه زنان و سیاست‌های کلی برنامه‌های پنج ساله پیش‌بینی شده و با اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرا از آسیب‌های ناشی از تک بعدی‌نگری به مسئله زنان اجتناب شده است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار توانستیم به استناد متن قانون اساسی و متن سیاست‌های کلی و اسناد فرادستی دیگری همچون سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ هـ.ش. و نیز متن قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه، جایگاه زن و خانواده را در اسناد فرادستی نظام مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. خوشبختانه، با توجه به چارچوب نظری تحقیق که پس از مطالعه و بررسی رویکردهای نظری مختلف به مسئله زن و خانواده و با رعایت اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و نیز آراء و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، طراحی و تنظیم گردید، موضوع زن و خانواده در قانون اساسی و اسناد فرادستی نظام از نوعی وحدت و همگرایی در رویکرد برخوردار بوده است. بدین معنا که رویکرد نظری مورد تأیید این تحقیق که مستند به اندیشه‌های اسلامی بوده است و از آن به رویکرد اعتدال‌گرا نام برده‌ایم در تمامی این اسناد انعکاس یافته و متن سیاست‌ها و قوانین فوق‌الذکر بر این نکته اذعان و تصریح دارد. از خلال مباحث ارائه شده مشخص گردید که رویکرد فعال‌گرایی اجتماعی زن در هیچ یک از اسناد فرادستی غلبه ندارد و هر جا که سیاست‌ها و قوانینی برای ترویج نقش و حضور زن در عرصه اجتماعی تدوین شده است در همان جا لزوم تقویت جایگاه و نقش مؤثر زن در خانواده و به عبارتی فعال‌گرایی خانوادگی زن نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

¹ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>

اما در شرایط حاضر که هم سیاست‌های کلی خانواده و هم سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه تصویب و ابلاغ شده است و لایحه قانون برنامه ششم توسعه نیز به تصویب هیئت وزیران رسیده و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، انتظار می‌رود که قانونگذار در تنظیم حکم یا احکام مرتبط با امور زنان دقت لازم را اعمال نماید تا در انطباق با سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه بوده و مغایرتی با آن نداشته باشد. به همین نحو، از مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز انتظار می‌رود که نظارت دقیق به منظور لزوم انطباق قانون برنامه ششم با سیاست‌های کلی خانواده و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه را اعمال نماید. لذا در شرایط حداقلی انتظار می‌رود که حداقل یک حکم قانونی مربوط به زنان و خانواده در قانون برنامه ششم توسعه در انطباق با سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه آورده شود و در آن موازنه بین نقش خانوادگی و نقش اجتماعی زنان رعایت شود.

به طور کل، باید اذعان نمود که قانون اساسی و اسناد فرادستی نظام با اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرا به جایگاه زن و خانواده دچار ضعف و یا خلاء خاصی نیستند و باید هم قانونگذار اساسی، هم سیاستگذار کلی و هم قانونگذار عادی را تحسین نمود و رویکرد اتخاذ شده را رویکردی هوشمندانه و عاقلانه دانست. اما آنچه که علی‌رغم این تدابیر قانونی مشاهده می‌شود و بعضاً نوعی آسیب و مشکل در حوزه زن و خانواده دانسته می‌شود که مهمترین آن تضعیف نقش خانواده و بالاخص مادر خانواده در تربیت منابع انسانی آینده‌ساز کشور است را نباید سهل‌انگاری و غفلت متولیان امر در سطوح مربوط به اسناد فرادستی دانست. پدیده‌های جدیدی همچون جهانی‌شدن و تغییر در سبک زندگی حاصل از رشد علم و فناوری‌های نوین، از جمله مسائلی است که باید توسط برنامه‌ریزان راهبردی و اجرایی تدبیر و چاره‌اندیشی شود. مسائل و آسیب‌های ایجاد شده در حوزه زن و خانواده به علت اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرا نیست، بلکه به علت ضعف در برنامه‌ریزی‌هایی است که نتوانسته است سیاست‌های کلی و قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴ را از طریق برنامه‌های راهبردی و برنامه‌های عملیاتی محقق سازد. حتی اگر ادعا شود که سیاست‌های کلی اعلام شده متناسب با تحولات و نیازها و واقعیت‌های روز نیست، این نیز وظیفه برنامه‌ریزان و مدیرانی است که در سطوح راهبردی و اجرایی مشغول فعالیت هستند - و چالش‌های اجرایی شدن اسناد فرادستی را از نزدیک درک می‌کنند - تا توصیه‌های لازم برای تغییر سیاست‌های کلی و یا قوانین مرتبط را ارائه کنند. در عین حال، به نظر نگارندگان این تحقیق هیچ‌گونه خلل و نارسایی در رویکرد حاکم بر قانون اساسی و دیگر اسناد فرادستی نظام در حوزه زن و خانواده وجود ندارد و تنها خلاء نداشتن برنامه‌های ملی راهبردی و اجرایی در حوزه زنان و خانواده است که امید می‌رود با توجه به تصویب و ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده از سوی مقام معظم رهبری در دستور کار دولت قرار گرفته و گام‌های عملیاتی برای تحقق این سیاست‌های فرابخشی برداشته شود.

منابع

۱. دفتر مقام معظم رهبری (مدیریت ویژه نشر آثار)، (۱۳۸۳)، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به انضمام بیانات و گفتگویی صمیمانه در جمع دختران و بانوان، تهران، انتشارات بیطرفان.
۲. رضایی میرقائد، محسن و مبینی دهکردی، علی، (۱۳۸۵)، ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳. روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۲) مجموعه مصوبات: سیاست‌های کلی، تهران، انتشارات اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع.
۴. روابط عمومی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، (۱۳۸۸)، مجموعه مصوبات: سیاست‌های کلی، اداره کل ارتباطات دبیرخانه مجمع.
۵. شبیلی هاید، جانت، (۱۳۸۳)، روان‌شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه دکتر اکرم خمسه، تهران، انتشارات ارجمند و نشر آگه.

۶. صالحی امیری، سید رضا و کاوسی، اسماعیل، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۷. مصطفوی (خمینی)، فریده، و جعفری ورامینی، فاطمه، ۱۳۸۲، زن از منظر اسلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. مطهری، مرتضی، چاپ نوزدهم ۱۳۷۴، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران

9. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128>
10. <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=10e6ac4a-73a3-4c83-b821-7bed9c212a8e>
11. <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=67ee04aa-7171-4f72-bdf7-e6f68c3547e5>
12. <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=6e386897-5584-4ac0-835c-861690ab72f8>
13. <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=d5a54ea8-b1cc-44ce-bbe8-cfdd48c200d8>
14. <http://old.maslahat.ir/Contents.aspx?p=ec1078af-1005-49d6-a9ba-5b7b0611a7a8>
15. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
16. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>
17. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99696>